

## بررسی تأثیر جنسیت بر شهادت در فقه و قانون

فاطمه بازوکار<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

### چکیده

دو رویکرد کلی در باب اعتبار شهادت زنان و لزوم یا عدم لزوم شرط رجولیت در شهادت قابل طرح است. گروهی بر این عقیده اند که شهادت به عنوان ادله اثبات موضوعیت دارد و لذا ادله اثبات را محدود به نصوص می دانند. مطابق نظر این گروه اصل بر حجیت شهادت مردان است و در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش واقع شده است، آیه، روایت و به عبارت دیگر دلیلی خاص بر آن وجود دارد. اما در مقابل، گروهی شهادت زنان را به صورت مطلق مورد پذیرش قرار داده اند و تمایزی در میزان اعتبار آن در مقایسه با شهادت مردان قائل نشده اند. این گروه از فقها بدین نحو استدلال کرده اند که شهادت راهی جهت اثبات حق است و چنانچه شهادت زنان بتواند حقی را اثبات کند و ما را به حقیقت برساند می تواند مورد پذیرش قرار گیرد. در این پژوهش دلایل این دو گروه و رویکرد قوانین و مقررات در باب این مسئله مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: شهادت، شهادت زنان، شرط رجولیت، فقه، قانون

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: bazokar.f@gmail.com

یکی از ادله ی اثبات دعوی مطابق منابع فقهی و قوانین حقوقی و جزایی شهادت است. برای اعتبار و حجیت شهادت، هم در قوانین و هم در منابع فقهی شرایط و ضوابطی بیان شده است که نبود هر یک از این شرایط باعث بی اعتباری و عدم حجیت شهادت خواهد شد. از جمله شرایط حجیت بینه می توان به عقل و بلوغ که ناظر به قدرت ادراک و تعقل شخص شاهد است، عدالت و وثاقت که مربوط به اعتماد و اطمینان به صحت گفتار شاهد است، اشاره نمود. از شروط دیگر که وجود آن در شخص شاهد لازم و ضروری است، مسلمان و شیعه بودن می باشد، زیرا شخص کافر متصف به فسق و ظلم است و فسق و ظلم مانع پذیرش شهادت و شهادت شخص غیر شیعه نیز مطلقاً مورد پذیرش قرار نگرفته است. همچنین طهارت مولد و عدم تهمت شخص شاهد نیز از دیگر شرایط شخص شاهد است که طهارت مولد بدان معناست که شاهد فردی حلال زاده باشد و شرط عدم تهمت نیز از این جهت است که شخص شاهد نفع و سودی در نتیجه حاصله از شهادت نداشته باشد. علاوه بر شرایط فوق الذکر که هم در فقه و هم در قوانین برای صحت و اعتبار شهادت لازم و ضروری دانسته شده است، گاه برای شهادت در برخی موضوعات، مرد بودن شهود و شرط رجولیت برای اعتبار شهادت لازم دانسته شده است. حال سوالی که در این جا قابل طرح است آن است که با توجه به نصاب های تعیین شده برای شهادت و لزوم شهادت مردان در برخی موضوعات، آیا رجولیت شرط حجیت شهادت است که در چنین حالتی برای معتبر بودن شهادت زنان نیاز به دلیل خاص وجود دارد و یا اینکه رجولیت شرط حجیت نبوده که در چنین حالتی زنان و مردان در شهادت با یکدیگر برابر بوده و در موادی که شهادت زنان پذیرفته نمی شود، باید دلیلی بر آن وجود داشته باشد. در این پژوهش ابتدا به مباحث مربوط به معنای شهادت و حجیت شهادت می پردازیم و در ادامه بحث اعتبار و عدم اعتبار شرط رجولیت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### معنای شهادت

شهادت از نظر لغوی به معنای حضور و معاينه (قرشی، ۱۳۷۱)، خبر قاطع (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق) و اخبار از روی علم و یقین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق) است. شهید ثانی شهادت را این گونه تعریف کرده است «اخبار همراه با جزم و اطمینان از وجود حقی لازم برای غیر شاهد که از جانب شخصی غیر از حاکم صورت می گیرد.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق) صاحب جواهر نیز تعریفی مشابه شهید ثانی از شهادت ارائه داده است و اضافه نموده است که مرجع تشخیص آن از سایر اخبار که شهادت نیستند "عرف" است. (نجفی، ۱۴۳۲ ق) مرحوم میرفتاح نیز در تعریف شهادت آورده است: «شهادت اخبار از روی علم در خصوص امر متعلق به غیر است.» (میر عبدالفتاح، بی تا) شیخ انصاری با توجه به آیه "لاتفم ما لیس لک به علم" «شهادت حقیقی را اخبار از روی قطع و جزم می داند.» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق) صاحب عناوین (حسینی مراغی) و محمد حسن اصفهانی شهادت را یک معنای عام لغوی و عرفی دانسته آن را این گونه تعریف کرده اند «اخبار به عنوان اظهار عقیده و جزم یک مطلب.» از نظر ایشان شهادت یک معنای خاص و اصطلاحی نیز نزد فقها دارد که عبارت است از «اخبار جزمی از حق لازم برای غیر به جز حاکم.» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ق) (اصفهانی، ۱۴۱۹ ق) میرزای نایینی معتقد است آنچه از آن خبر داده می شود در صورتی که از موضوعات خارجی باشد، داخل در باب شهادت و مشمول ادله حجیت شهادت است و در صورتی که خبر از احکام باشد داخل در باب شهادت و مشمول ادله حجیت شهادت نخواهد بود، در مقابل خبر از احکام شرعی یا موضوعاتی که از شارع دریافت می شود و ملحق به احکام شرعی است، داخل در باب خبر واحد و مشمول ادله حجیت آن است. (میرزای نایینی، ۱۳۷۶)

گرچه قوانین ما تعریفی از شهادت ارائه نداده اند، اما حقوقدانان هر یک تعاریف مختلفی را از شهادت ارائه داده اند. از جمله این تعاریف می توان به: «شهادت عبارت است از اخبار ناخاسته از تخصص، اصالتاً به استناد علم شخصی بر امری جزئی، نه

بر فعل خود بلکه به نفع غیر بدون ضرری بر خویشان و به قصد شرکت در احقاق حق یا صورت دادن وظیفه ای شرعی در خصوص مورد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷) برخی شهادت را به اخبار شخص از امری به نفع یکی از طرفین دعوی و به زیان دیگری تعریف کرده اند. (امامی، ۱۳۷۶)

دکتر شمس نیز شهادت را این گونه تعریف کرده است: «شهادت اخبار شخص نزد مرجع قضاوتی از دیده ها و شنیده ها یا سایر آگاهی هایی است که به صورت اتفاقی یا به درخواست یکی از اصحاب دعوی از موضوعی پیدا کرد است.» (شمس، ۱۳۹۰). بنابراین کسی را که اخباری از وقوع امری در گذشته یا حال نزد مرجع قضاوتی مطرح می کند شاهد می نامند.

### ادله حجیت شهادت:

برای حجیت شهادت به ادله ی اربعه استناد شده است:

#### ۱- اجماع:

اجماع در نزد فقهای امامیه متفاوت از اجماع در میان عامه است. اجماع در نزد فقهای امامیه، بازگشت به سنت و قول معصوم دارد و چنانچه اجماع کشف از قول معصوم نکند، معتبر نخواهد. از همین رو اجماع دلیل مستقلاً به شمار نمی رود. به این نوع اجماع، اجماع محصل یا کشفی گفته می شود. (مظفر، ۱۳۸۰) با این حال باید گفت تمام فقهای شیعه و سنی، قدیم و جدید بر حجیت این دلیل اجماع کرده اند و این اجماع از نوع اجماع کشفی است.

#### ۲- عقل:

مشهور اصولیان عقل را در عرض کتاب و سنت و یکی از منابع استنباط دانسته اند. منظور از عقل به عنوان یکی از ادله اربعه در مقابل کتاب و سنت: «هر گزاره عقلی است که به توان از آن به حکم شرعی قطعی رسید.» (مظفر، ۱۳۸۰) حال بناء عقلاء عالم در موارد ترفع بر حجیت بینه است که اگر شریعت آن را امضا هم نکرده باشد همین که رد نکرده باشد برای ما کافی است و می توانیم به این بناء عقلاً استناد کنیم.

#### ۳- اخبار (سنت):

منظور از اخبار یا سنت به عنوان یکی از ادله اربعه، اقوال، کردار و یا تقریرات پیامبر اکرم و ائمه معصوم است. (مظفر، ۱۳۸۰) در باب حجیت و شرایط شهادت نیز روایات بسیاری از ائمه معصوم (ع) مطرح شده است که در این بحث به چند نمونه از این اخبار و روایات اشاره خواهیم نمود.

رسول خدا فرموده اند: «اکرموت الشهود فان الله تعالی یحیی الحقوق بهم. گواهان را گرامی دارید، زیرا خدای تعالی حقوق (مردم) را به وسیله آنان حفظ می کند.»

روایت مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) که این روایت شهادت را از حیث حجیت و دلالت در ردیف علم قرار داده است و این روایت چنین است: «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه من قبل نفسک و ذلک مثل الثوب یکون علیک قد اشتریته و هو سرقة و المملوک عندک و لعله حر قد باع نفسه... او امره تحتک و هی اختک او رضیعتک و الاشیا کلها علی هذا حتی یستبین لک غیر ذلک او تقوم به البینه. هر چیزی برای تو حلال است، هر چیزی که شک کردی حلال است یا حرام، حلال است تا اینکه به حرمت آن علم پیدا کنی، تا اگر علم پیدا کردی، آن را رها کنی. همانند یک لباس که آن را خریدی و احتمال می دهی که آن کسی که به شما فروخته، این را دزدیده باشد. یا عبدی در نزد توست، که احتمال می دهی حر باشد، حری باشد که خودش را فروخته و یا اینکه فریب اش دادند و قهراً فروخته شده. یا زنی که در نزد توست و احتمال می دهی که خواهر رضاعی تو باشد و بر تو حرام باشد. تمام اشیاء همین طور است. یعنی در هر چیزی که شک کردی که آیا حلال است یا حرام؟ تا اینکه غیر آن برای تو روشن شود و یا شهادت بر آن قائم شود.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق)

امام علی (ع) میفرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْهَيْلَالِ وَلَا تَجُوزُ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ. شَهَادَةُ زَنَانٍ فِي مَوْرِدِ هَلَالِ مَاةٍ لَا يَقْبَلُهَا إِلَّا مَنْ شَاءَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق) ۴- قرآن :

در قرآن کریم در باب چهار موضوع به ارزش اثباتی شهادت و تعداد شهود اشاره شده است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۵) که عبارت اند از:

۱- وصیت : آیه ی ۱۰۷ سوره ی مائده « فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ ۙ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَأَنَّ يَتُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْثَانَ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اخْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

پس اگر بر احوال آن دو شاهد اطلاعی حاصل شد که مرتکب گناهی شده‌اند (و در شهادت خیانت کرده‌اند) دو شاهد دیگر که احق (به ارث یا شهادت) باشند به جای آنها قیام کنند و به خدا سوگند یاد کنند که شهادت ما راست‌تر از شهادت آن دو شاهد پیشین است و ما (از حق اصلاً) تجاوز نکردیم، که در آن صورت از ستمکاران باشیم.»

۲- طلاق : آیه ی ۲ سوره طلاق « فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

آن‌گاه که (نزدیک است) مدت عدّه را به پایان رسانند باز یا به نیکویی نگاهشان دارید یا به خوشرفتاری رهاشان کنید و نیز (بر طلاق آنها) دو مرد مسلمان عادل گواه گیرید، و (شما شاهدان نیز) برای خدا شهادت را برپا کنید. بدین وعظ الهی آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد پند داده می‌شود، و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید.»

۳- زنا : آیه ی ۴ و ۱۳ سوره نور

۴- دین : آیه ی ۲۸۲ بقره « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ ۙ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ بِالْعَدْلِ ۚ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُعْمَلَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ ۚ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ ۚ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ ۚ.....

ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد، و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد، و نباید کاتب از نوشتن خودداری کند، که خدا به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد، و مدیون باید مطالب را املاء کند، و از خدا بترسد و از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد، و اگر مدیون سفیه یا ناتوان (صغیر) است و صلاحیت املا ندارد ولی او به عدل و درستی املا کند و دو تن از مردان خود (از مسلمانان عادل) گواه آرید، و اگر دو مرد نیابید یک مرد و دو زن، از هر که (به عدالت) قبول دارید گواه گیرید تا اگر یک نفر از آن دو زن فراموش کند دیگری به خاطرش آورد....»

#### بررسی اعتبار شهادت زنان:

در این باب که آیا رجولیت شرط حجیت شهادت است و در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش قرار می‌گیرد نیاز به دلیل خاص وجود دارد یا آنکه زنان و مردان در بحث شهادت با یکدیگر برابر بوده و رجولیت شرط حجیت شهادت نبوده و به همین دلیل در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد باید دلیلی بر این موضوع وجود داشته باشد، دو نظر قابل طرح است:

#### ۱- قائلین به موزیت داشتن شهادت در دعاوی :

این گروه از فقها برای شهادت به عنوان ادله اثبات موضوعیت قایل هستند و لذا ادله اثبات را محدود به نصوص می دانند. مطابق نظر این گروه از فقها اصل بر حجیت شهادت مردان است و در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش واقع شده است، آیه، روایت و به عبارت دیگر دلیلی خاص بر آن وجود دارد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی بیان می دارد: « اصل در بیّنه این است که دو مرد عادل باشند، بنابراین شهادت زن ها و اخبار آن ها جز در مواردی که دلیل خاص بر آن ها وارد شده، مورد قبول واقع نمی شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰)

دلیل عدم قبول شهادت زن ها در موضوعات، وجود ادله و اخبار فراوانی است که در آن ها به اعتبار دو مرد عادل یا دو شاهد مرضی الطرفین یا دیگر مواردی که همین معنا را افاده می کند، تصریح شده و اینکه اصل در ابواب شهادت، عدم قبول شهادت بانوان است. البته غیر از مواردی که دلیل خاص در مورد آن ها وارد شده باشد. البته در ابواب شهادت وارد شده است که شهادت بانوان در بعضی از موضوعات کافی است، چنانچه اخباری در کفایت شهادت آن به ضمیمه شهادت مردان در ابواب حدود نیز وارد شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰)

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی می فرماید: «شبهه‌ای در اعتبار شهادت زنان به تنهایی در بعضی موارد و شهادت شان همراه مردان دیگر در موارد دیگر نیست. همانطور که شبهه‌ای در عدم اعتبار شهادت زنان در بعضی از موارد نیست چه به تنهایی چه همراه با مردان، بلکه اشکال در مواردی که دلیل خاصی وجود ندارد.

بله شاید استشهاد شود به عمومیت حجیت شهادت زنان مگر آنچه که خارج می شود با دلیل با استناد به روایت عبد الکریم بن ابی یعفر از باقر (ع) که فرمود: شهادت زن و زنان پوشیده، پاکدامن، فرمانبردار شوهر و تارک ابتدال و خودآرایی در جمع مردان پذیرفته می شود. اما ظاهراً این روایت در مقام بیان شروط قبول شهادت زن است نه در مقام بیان اینکه در هر موردی شهادت شان پذیرفته است تا یک بر همه موارد اطلاق شود و به عبارت دیگر: این ناظر بر عدالت اعتباری است در شاهد برای زن نه در خصوصیات دیگر همانطور که واضح است.» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳)

بنابراین مطابق نظر این گروه این فقها و صاحب نظران، اصل بر پذیرش و حجیت شهادت مردان است و شهادت زنان صرفاً در مواردی مورد پذیرش و اعتناء خواهد بود که دلیل خاص بر آن وجود داشته باشد.

#### ۲- قائلین به طریقت شهادت زن :

در مقابل گروهی از فقها شهادت زنان را به صورت مطلق مورد پذیرش قرار داده اند و تمایزی در میزان اعتبار آن در مقایسه با شهادت مردان قائل نشده اند، این گروه از فقها بدین نحو استدلال کرده اند که شهادت راهی جهت اثبات حق است، لذا چنانچه شهادت زنان بتواند حقی را اثبات کند و ما را به حقیقت برساند، می تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

مرحوم نراقی بیان می دارد: « آنچه از عبدالعزیز بن براج حکایت می شود، طریقت است و نیز برخی از متأخرین همین قول را اختیار کرده اند که چنانچه برای قاضی علم به موضوع حاصل شد هر چند که با شهادت دو زن باشد، قاضی مکلف است که به نتیجه حاصله، رسیدگی کند و بنا بر علم حاصل شده حکم دهد.» (نراقی، ۱۴۱۵ق)

آیت الله موسوی بجنوردی میفرماید: « طریقت شهادت موضوعیت دارد و جنسیت نباید شرط صحت شهادت باشد، زیرا زن در جوامع قبلی حضور نداشت و برای زن ارزش قائل نبودند که شهادت دهد، و چون اجازه حضور و فعالیت به آنان نمی دادند، شهادت شان اطمینان آور نبود.» اما در عصر جدید که زنان نیز هم پای مردان در جامعه حضور دارند، دلیلی بر عدم پذیرش شهادت زنان وجود ندارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷)

دکتر جعفری لنگرودی از ابن قیم در کتاب اعلام الموقنین، بیان می دارد ایشان بیّنه را به معنای عام خود دانسته و اختصاص آن به دو مرد عادل را صحیح نمی داند، و اینکه پیامبر اکرم می فرماید « البینه علی المدعی » معنی آن این است که مدعی باید ادعای خود را اثبات کند و بار دلیل بر عهده اوست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷)

بنابراین مطابق نظر این گروه از فقها و علما، تمایزی در میزان اعتبار شهادت زنان و مردان وجود ندارد و صرفاً آنچه موضوعیت دارد، رسیدن به حقیقت است. بر همین اساس شهادت زنان نیز به صورت مطلق، حجیت خواهد داشت و در مواردی که صرفاً شهادت مردان مورد پذیرش قرار گرفته است، دلیل و نص خاص وجود دارد.

موارد دارای نصاب خاص در آیات، روایات و قوانین:

#### ۱- مواردی که با شهادت چهار مرد اثبات می شود:

زنا منجر به سنگسار، لواط و مساحقه است. فقها برای اثبات ادعا خویش به آیات و روایات متعددی تمسک جسته اند که عبارت اند از:

آیه ی ۱۵ سوره ی نساء: « وَاللّٰتِیْ یَأْتِیْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ ۚ فَاِنْ شَهِدُوا فَاْمْسِكُوْهُنَّ فِی الْبُیُوْتِ حَتّٰی یَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ یَجْعَلَ اللّٰهُ لِهِنَّ سَبِیْلًا

و از زنان شما [امت اسلام] کسانی که مرتکب زنا می شوند، چهار نفر مرد از خودتان را بر آنان به گواهی بخواهید؛ پس اگر [به ارتکاب آن] گواهی دادند، آن زشت کاران را در خانه ها [به عنوان حبس ابد] نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد، یا خدا [برای نجات] آنان راهی قرار دهد.»

آیه ۱۳ سوره نور: « لَوْکَا جَاءُوْا عَلَیْهِ بِاَرْبَعَةٍ شَهِدَاءٍ ۙ فَاِذْ لَمْ یَأْتُوْا بِالشُّهَدَاءِ فَاُولٰٓئِکَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْکٰذِبُوْنَ

چرا بر آن تهمت، چهار شاهد نیاوردند؟ و چون شاهدان را نیاوردند، پس خود آنان نزد خدا محکوم به دروغگویی اند.»

آیه ی ۴ سوره ی نور: « وَالَّذِیْنَ یَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ ثُمَّ لَمْ یَأْتُوْا بِاَرْبَعَةٍ شَهِدَاءٍ فَاَجْلِدُوْهُمُ ثَمٰنِیْنَ جَلْدَةً وَّلَا تَقْبَلُوْا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَدًا ۙ وَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ

و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن گاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید، و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید، و آنان مردمی فاسق و نادرست اند.»

همچنین روایت شده است از عن ابی عبدالله (ع) «حد الرجم ان یشهد اربع انهم راوه یدخل و یدخل» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق) و قال امیرالمومنین (ع) «لا یرجم رجل و لا امراه حتی یشهد علیه اربعه شهود علی الایلاج و الاخراج» (کلینی، ۱۴۰۷ ق) قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ی ۱۹۹ بیان می دارد: « نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفریض و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد.»

#### ۲- مواردی که با شهادت سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن اثبات خواهند شد :

زنا منجر به جلد است.

برخی از فقها همانند، شیخ طوسی شهادت زنان در زنا را مطلقاً مورد پذیرش قرار نداده اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق) این نظر از سلار و شیخ مفید نیز بیان شده است. ( به نقل از نجفی، ۱۴۳۲ق ) و همچنین صدوقین در مورد فوق قائل به عدم اثبات جلد شده اند و علت آن را مخالف اصل "عدم ثبوت حد" دانسته اند و بیان داشتند در این موارد حد ساقط خواهد شد. ( به نقل از نجفی، ۱۴۳۲ق )

در مقابل صاحب جواهر و آیت الله خوئی این ادعا را نپذیرفته اند و بیان می دارند که جایگاه ورود اصل در جایی است که دلیلی وجود نداشته باشد حال در صورتی که در این مورد روایتی وارد است. (نجفی، ۱۴۳۲ق) همچنین شهید ثانی بیان می دارد، اگر دو مرد و چهار زن در باب زنا شهادت دهند، جلد اثبات می شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق) غالب فقهای امامیه نیز به این نظر قائل می باشند.

حال اگر یک مرد و شش زن شهادت دهند یا زنان به تنهایی شهادت دهند زنا اثبات نخواهد شد.

ماده ی ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می دارد: «... برای اثبات زناى موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است...»

### ۳- آنچه که فقط با دو شاهد مرد اثبات می شود:

آمیزش با حیوانات، شرب خمر، رده، قذف، طلاق، رجوع از طلاق، عده، خلع (به قولی)، وکالت، وصایت، هلال، جنایت منجر به قصاص، عتق، ولاء، تدبیر، کتابت، بلوغ، جرح، تعدیل، عفو از قصاص و تمام آنچه را که درباره حق الناس است و مال نیست است و شیخ طوسی در المبسوط اثبات عتق به یک شاهد مرد و دو زن را قوی دانسته است. (طوسی، ۱۳۸۷ق)

در این موارد غالب فقها با یکدیگر اتفاق نظر داشته و معتقدند در باب موضوعات فوق شهادت زنان به هیچ عنوان حتی به واسطه انضمام به شهادت مردان نیز، مورد پذیرش نخواهد بود.

در باب موارد فوق نیز فقها به آیات و روایات متعددی تمسک جسته اند که به صورت خلاصه به برخی از آنان اشاره خواهیم نمود:

صاحب جواهر به اطلاق آیه ۲ سوره ی طلاق اشاره کرده است (نجفی، ۱۴۳۲ق) « فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

پس چون عده آنان به سر رسید (یا) به شایستگی نگاهشان دارید یا به شایستگی از آنان جدا شوید و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، داده می شود و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد.»

روایت عمروبن خالد نیز به بحث شهادت دو مرد عادل اشاره می نماید: «ان امیر المومنین (ص) کان یحکم فی زندقه اذا شهد علیه رجلان عدلان مرضیان و شهد له الف بالبراءه جازت الرجلین وابطل شهادت الالف لانه دین مکتوم...» و همچنین امام علی (ع) میفرماید «لاتجوز شهادت النساء فی الهلال و لاتجوز الا شهادت رجلین عدلین. امیرالمومنین ع در مورد زندیقی حکم کرد زمانی که دو مرد عادل مورد اطمینان شهادت دادند و هزار زن به عدم زندیق بودن او شهادت دادند، شهادت دو مورد را جایز دانست و شهادت هزاران زن را باطل کرد چرا که دین امر پنهان است.»

قوانین و مقررات نیز از نظر غالب فقها امامیه پیروی کرده است و از همین رو ماده ی ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی نیز به صورت مطلق بیان می دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرایم، دو شاهد مرد است...» همچنین ماده ی ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز بیان می کند: «در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل میباشد: الف - اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیر مالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد...»

### ۴- مواردی که با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن یا یک مرد و قسم اثبات می شود:

مواردی که مال باشد یا مقصود از آن مال باشد، با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن یا یک مرد و یک قسم ثابت خواهد شد. همانند قتل خطای محض، جرح عمد منجر به هاشمه، منقله و... که در آن دیه ثابت است، یا آنچه که قصاصی در آن نباشد مثل قتل فرزند، قتل کافر توسط مسلمان، قتل عبد توسط حر، مشارکت عامد خاطی بر اساس کلام الشیخ در الخلاف با اسقاط قصاص از آن دو، بر خلاف شریک پدر در قتل فرزند (طوسی، ۱۴۰۷ق)، همچنین عقود معاوضی مثل بیع، اجاره، فسخ، دیون، قرض، غصب، حقوق مالی همانند خیار، اجل، شفعه، وصیت بر اساس کلام محکم الشیخ و وقف که بر اساس نظر درست تر اگر وقف خاص باشد. (طوسی، ۱۴۰۷ ق)

همچنین اگر حق هم شامل حق الله تعالی باشد و هم حق الناس، همانند سرقت، صرفاً مال اثبات می‌شود و نه سرقت، و از همین موضوع برخی فقها وحدت ملاک گرفته و بیان داشته اند، اگر یک مرد و دو زن درباره نکاح شهادت بدهند مهر اثبات می‌شود و عقد اثبات نمی‌شود اما در آن تناقضی وجود دارد بر خلاف سرقت است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق)

در این باره نیز فقها به آیات و روایاتی استناد کرده اند که برخی از آنان عبارت است از :

آیه ی ۲۸۲ سوره ی بقره بیان می دارد: « وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى

و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یاد آوری کند.»

از جمله روایات موجود در این باب می توان به صحیح حلی اشاره نمود که از امام صادق (ع) بیان داشته است « قلت تجوز شهادة النساء مع الرجل فی الدین ؟ قال : نعم الحدیث » (حر عاملی، ۱۴۱۴)

در این مورد نیز می توان به ماده ی ۲۳۰ قانون مدنی اشاره نمود که بیان ی دارد: « در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می باشد: ب - دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال میباشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب، جنایات خطائی و شبه عمد که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن. چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد میتواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند.»

#### ۵- مواردی که با شهادت زنان به تنهایی اثبات می‌شود:

موضوعاتی که صرفاً با شهادت زنان قابل اثبات است، مواردی است که غالباً اطلاع مردان از آن سخت و دشوار است. همانند ولادت، وصیت، استهلال، عیوب پنهان زنان، حیض، نفاس و رضاع به احتمال قوی. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق) حتی ابن البراج از این موضوع فراتر رفته بیان می کند شهادت مردان در این موارد مورد پذیرش نخواهد بود و نگاه به این موارد را جائز ندانسته است که البته این نظر ضعیف است. (ابن البراج، ۱۴۱۱ق)

شهید در مسالک الفهام از شیخ مفید نقل می کند که اصل بر این است که شهادت دو زن پذیرفته است. حال چنانچه در عیوب زنان، استهلال، نفاس، حیض، ولادت و رضاع دو زن یافت نشد، شهادت یک زن تنها که مورد اعتماد است نیز پذیرفته خواهد شد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق)

وصیت به مال و استهلال جز مواردی است که با شهادت یک زن نیز صرفاً ثابت خواهد شد. مطابق نظر فقها شهادت یک زن به تنهایی در زنده متولد شدن یک کودک در ربع وصیت و ربع میراث پذیرفته خواهد شد و با وجود دو زن، نصف و با وجود سه زن، سه چهارم وصیت و میراث اثبات خواهد شد و با چهار زن بدون قسم، همه آن اثبات می‌شود و اگر قسم بخورد با دو زن همه آن اثبات می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷ق؛ مفید ۱۴۱۳ق)

همچنین شهادت زنان بر شهادت در دیون و اموال و عقود پذیرفته است اما در دیگر موارد مورد پذیرش واقع نشده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق)

در این باب روایات متعددی نیز مطرح شده است که به یک مورد آن روایت سکونی از امام صادق (ع) است که از علی (ع) نقل می کند که فرمودند «عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ لَا تَجُوزُ فِي طَلَاقٍ وَلَا نِكَاحٍ وَلَا فِي حُدُودٍ إِلَّا فِي الدِّيُونِ وَ مَا لَا يَسْتَطِيعُ الرَّجُلُ النَّظَرَ إِلَيْهِ. شَهَادَةُ زَنَانٍ فِي طَلَاقٍ وَ حُدُودٍ جَائِزٌ نِيسْتِ مَكْرٌ فِي دِيُونٍ وَ أَنْجَحَهُ مَرْدَانٌ نَمِي تَوَانَدُ بِهٖ أَنْ نَظَرَ كُنْتُمْ.» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق)



قوانین و مقررات نیز از نظر فقهای امامیه پیروی کرده اند و از همین رو ماده ی ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می دارد: «در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می باشد: ج - دعاوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن.»

### بررسی شرط رجولیت از دیدگاه اصولیون:

اصولیون نیز دو دیدگاه در باب شرط رجولیت در شهادت مطرح کرده اند:

۱- طرفداران عمومیت و عدم اعتبار رجولیت، طرفداران عمومیت به تبادر استناد کرده و متبادر از بینه را مفهوم عامی دانسته اند که شامل زن و مرد است.

۲- طرفداران اعتبار رجولیت، کسانی که معتقد به شرط رجولیت هستند به انصراف متوسل شده اند که شبهه یک شبهه اقل و اکثری است. زیرا در یک طرف قبول شهادت زن و مرد و در طرف دیگر قبول شهادت مرد به تنهایی است (الفهموم اذا اشتهه ینصرف الی فرده الاکمل) آنگاه فرموده اند: اذا تعارضتا تساقطا و با فرض تردید، قدر متیقن از حجیت در آن جاست که رجولیت باشد.

نظر فوق از دو جهت قابل بحث است، اولاً مطرح کردن قدر متیقن همان انصراف است با یک تعبیر دیگر در حالی که طرفداران اعتبار رجولیت قائل به تساقط شده اند. ثانیاً تعارض و تساقط میان تبادر و انصراف چندان صحیح نیست، زیرا جایگاه انصراف مشتبه شدن دو مفهوم است. در حالی که با وجود تبادر و تعیین معنای حقیقی یک لفظ اصلاً شبهه ای باقی نمی ماند تا متوسل به انصراف شویم.

بنابراین به نظر می رسد دیدگاه فقهای که قائل به شرط رجولیت شده اند قابل رد بوده و باید گفت اصل بر برابر بودن زن و مرد در شهادت است و در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش قرار نگرفته است نص خاص وجود دارد. (عزیزاللهی، ۱۳۹۸)

### شرط رجولیت از دیدگاه قوانین و مقررات:

قانون مدنی در ماده ی ۱۲۵۸ دلایل اثبات دعوی را پنج چیز شمرده است که یکی از آن ها شهادت است. در قانون مجازات اسلامی نیز ماده ی ۱۷۴ به بعد بحث شهادت به عنوان یکی از ادله ی اثبات در مراجع قضایی، پرداخت است. در مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی، شهادت به عنوان دلایل اثبات حق یا اثبات جرم و ضوابط و ترتیبات مربوط به آن یاد شده است.

حال از آنجا که قوانین و مقررات ایران به ویژه در بحث ادله ی اثبات دعوا برگرفته از فقه امامیه است، در تدوین مقررات مربوط به شهادت نیز از نظر شروط و ضوابط صحت شهادت همانند فقه عمل شده است. بدین معنا که لزوم یا عدم لزوم شرط رجولیت در قوانین و مقررات نیز همانند فقه امامیه به صورت صریح بیان نشده است. ماده ی ۱۳۱۳ قانون مدنی، شرایط لازم شاهد را این گونه بیان می دارد: «در شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است.» ماده ی ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی نیز شرایط شاهد شرعی را بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، ذینفع نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها، عدم اشتغال به تکدی و ولگردی، می داند. سایر قوانین نیز به همین شرایط اشاره می نمایند و در هیچ یک از قوانین و مقررات "مرد بودن" به صورت صریح شرط شاهد شرعی دانسته نشده است. بلکه نصاب هایی چه از نظر تعداد چه نظر جنسیت در موضوعات و مباحث گوناگون، در نظر گرفته شده است.

بنابراین در قوانین و مقررات مختلف که شرایط حجیت شهادت بیان شده است، شرط رجولیت به صورت صریح به چشم نمی خورد و این مواد به صورت مطلق تدوین شده است. از همین رو می توان با توجه به شرایط و مقتضیات روز جامعه بیان نمود که شهادت زنان نیز همانند مردان مورد پذیرش و در مواردی که شهادت زنان مورد پذیرش قرار نمی گیرد باید با دلیل خاص، تخصیص بخورد. بنابراین در مواردی که دلیل خاصی وجود ندارد، به همان عام عمل نموده زیرا زمانی که از شهادت صحبت می کنیم آن چیزی که به ذهن متبادر می شود، عمومیت لفظ شاهد است که اعم از زن و مرد می باشد.

### نتیجه گیری

بنابر آنچه که بیان گردید در باب شرط رجولیت در شهادت دو نظر مطرح است، گروهی برای اعتبار و حجیت شهادت شرط رجولیت را ضروری دانسته و بیان می نمایند، اصل بر پذیرش شهادت مردان است و شهادت زنان امری است استثنایی که نیازمند دلیل و نص خاص است. در مقابل گروهی دیگر از فقها آن را شرط حجیت ندانسته، بلکه معتقدند شهادت عنوان عامی است که شامل مرد و زن است و در مواردی که صرفاً شهادت مردان مورد پذیرش است دلیل خاص بر آن وجود دارد. قوانین و مقررات مختلف نیز صراحتاً "مرد بودن" شاهد را شرط حجیت شهادت ندانسته و صرفاً نصاب های خاصی را چه از لحاظ جنسیت و چه تعداد برای شهود در باب موضوعات و مباحث مختلف در نظر گرفته اند.

حال از آنجا که اولاً شهادت یکی از ادله ی اثبات است و آنچه در آن موضوعیت دارد، ایجاد علم برای مرجع رسیدگی کننده و اثبات حق است. بنابراین اگر شهادت زنان برای قاضی ایجاد علم نماید و اثبات کننده ی حقی باشد، صرف زن بودن شهود نباید دلیلی برای عدم پذیرش شهادت و انکار حق اثبات شده، باشد. آنچه اهمیت دارد اثبات حق است از طریق شهادت و جنسیت شهود نباید خدشه ای به صحت شهادت وارد نماید. ثانیاً احکام فقهی، قوانین و مقررات، می بایست مطابق با شرایط و مقتضیات روز جامعه مورد بازنگری قرار گیرند. امروز که زنان همانند مردان در عرصه ی فعالیت های اجتماعی حضور گسترده داشته و پایه پای مردان در مشاغل و مناصب اجتماعی فعالیت دارند و نقش آنان در جامعه کنونی به فرزندپروری و خانه داری و... محدود نیست، عدم پذیرش شهادت آنان توجیه عقلی و منطقی نخواهد داشت و پذیرش نظر گروهی که معتقدند، شهادت عنوان عام است که مرد و زن را با هم دربرمی گیرد، با شرایط و منطق همخوانی بیشتری دارد.

### منابع

- منابع فارسی

امامی، سید حسن (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، جلد ۳، ۴ و ۶، تهران: کتابفروشی اسلامیة  
جعفری لنگرودی محمد جعفر، علم آزادی در گسترش ادله اثبات دعوی، نشریه دانشکده حقوقی و علوم سیاسی تهران، فصل نامه شماره ۲۱

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، دانشنامه حقوقی، جلد پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲ و ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.

شمس، عبدالله (۱۳۹۰)، دوره بنیادین آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر دراک.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، جلد چهارم، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عزیزاللهی، محمدمهدی (۱۳۹۸)، جزوه ی متون فقه ۲، قم: دانشگاه قم.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۰)، اصول الفقه، قم: موسسه نشر اسلامی

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۷)، شهادت زنان، مجله نقد و نظر، شماره ۴۹-۵۰

- منابع عربی

- ابن براج، عبدالعزیز ( ۱۴۱۱ق)، جواهر الفقه، قم: نشر جامعه مدرسین.
- ابن منظور ( ۱۴۱۴ ق )، لسان العرب، جلد سوم، چاپ سوم، بیروت: نشر دار صادر.
- انصاری، مرتضی ( ۱۴۱۵ ق )، المکاسب، جلد دوم، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری
- حرعاملی، محمد بن حسن ( ۱۴۱۴ق)، وسایل الشیعه الی معرفه احکام الشرعیه، قم: آل البيت الاحیاء التراث.
- راغب اصفهانی ( ۱۴۱۲ق )، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، جلد اول، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- شهید ثانی ( ۱۳۸۶-۱۳۹۸ق ) الروضه البهیة فی شرح اللعمه دمشقیه، بیروت: نشرالدار الاسامیه.
- شهید ثانی ( ۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، قم: نشر موسسه المعارف الاسامیه.
- شیخ طوسی ( ۱۴۰۷ ق )، الخلاف، قم: موسسه نشر الاسلامی.
- شیخ طوسی ( ۱۳۸۷ق )، المبسوط فی الفقه الامامیه، چاپ سوم، تهران: نشر المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.
- صدوق ( بی تا)، علل الشرائع، جلد دوم، قم: نشر کتابفروشی داوری
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، قواعد الفقهیة، چاپ اول، قم: نشر مرکز فقه الاثمه اطهار.
- فاضل هندی، محمد (بی تا)، کشف لثام الابهام فی شرح قواعد الاحکام، قم: نشر مکتبه الاسامیه.
- غروی نایینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، فواید الاصول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- کلینی ( ۱۴۰۷ ق )، الکافی، چاپ چهارم، جلد هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- محمد بن مکی بن محمد شامی عاملی (شهید اول)، ابو عبدالله شمس الدین (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه، چاپ دوم، قم: نشر جامعه مدرسین قم.
- مفید ( ۱۴۱۳ق )، المقنعه، چاپ اول، قم: نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، القواعد الفقهیة، چاپ سوم، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- میرالفتاح ( بی تا)، العناوین، جلد دوم، بی جا
- نراقی، احمد بن محمد مهدی ( ۱۴۱۵ق )، مستند الشیعه فی الحکام الشرعیه، قم: موسسه آل البيت الاحیاء التراث.
- نجفی، محمد حسن ( ۱۴۳۲ق )، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: نشر جامعه مدرسین قم.